

## دکتر تییریوس راتا، الهیات عهد عتیق، جلسه ۴، خدا به عنوان نجات دهنده

تییریوس راتا و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر تییریوس راتا هستم و در مورد الهیات عهد عتیق تدریس می‌کنم. این جلسه چهارم، خدا به عنوان نجات‌دهنده است.

خب، سلام به همه. امروز، قرار است در مورد خدا به عنوان نجات‌دهنده صحبت کنیم. و البته، بزرگترین عمل رستگاری از عهد عتیق، واقعه خروج است. بنابراین، ما به تفصیل به آن خواهیم پرداخت.

وقتی به عهد عتیق نگاه می‌کنیم، دو اصطلاح عبری برای رستگاری استفاده می‌شود. یکی «گعل» به معنای بازخرید کردن یا عمل کردن به عنوان یک خویشاوند است. برای مثال، این اصطلاح در کتاب روت زیاد به کار می‌رود، با واژه‌های خویشاوند، نجات‌دهنده و «جوئل».

و lutromai و بعد پاده، به معنای خریدن یا باج دادن. وقتی به عهد جدید می‌رسیم، دو اصطلاح یونانی بیشتر به معنای آزاد کردن یا بازخرید کردن است Lutromai. هستند agorazo.

آگورازو به معنای انتخاب خرید در بازار، در آگورا است. خواهیم دید که چگونه این اصطلاحات به مرور زمان تغییر می‌کنند، زیرا در شریعت به معنای خاصی هستند و بعداً به نوعی تکامل می‌یابند یا به چیز دیگری تبدیل می‌شوند. اما باز هم، همانطور که گفتم، رویداد خروج، رویدادی است که تمام عهد عتیق هنگام پرسش درباره خدا به عنوان منجی، از آن صحبت می‌کنند.

خدا کیست؟ و خدا در اینجا به عنوان خدای جنگجو ظاهر می‌شود. گاهی اوقات، وقتی به کتاب خروج نگاه می‌کنیم، خوب است که از منظر تضاد به آن نگاه کنیم. و برخی معتقدند که سه تضاد اصلی وجود دارد.

یهوه در مقابل فرعون، یهوه در مقابل خدایان مصر، و گاهی اوقات یهوه در مقابل اسرائیل است. بنابراین برای نگاه کردن به کتاب خروج، گاهی اوقات خوب است که از نظر درگیری به آن فکر کنیم. اما درگیری‌های اصلی در فصل‌های هفتم و نهم ظاهر می‌شوند، زمانی که یهوه در مقابل خدایان مصر قرار دارد.

و دوباره، وقتی به خروج نگاه می‌کنیم، یک آیه کلیدی در خروج ۱۲ وجود دارد که هدف از بلاها را توضیح می‌دهد. من آن شب از سرزمین مصر عبور خواهم کرد و همه نخست‌زادگان سرزمین، چه انسان و چه حیوان را خواهم زد. و بر همه خدایان مصر، داوری خواهم کرد.

بنابراین، این یهوه در مقابل خدایان مصر است. و آنچه خدا می‌خواهد نشان دهد این است که او، در واقع تنها خدای حقیقی است. نه بلای اول مهم هستند، اما بلای دهم مهمترین آنهاست زیرا در آن ما عید فصح را برقرار می‌کنیم، که بدیهی است که انگشت اشاره به سمت مسیح است، که بره فصح ماست.

من به آن برمی‌گردم، اما قبل از اینکه به بلاها و یهوه در مقابل خدایان مصر پردازیم، باید بفهمیم که رستگاری در دوران عهد عتیق به چه معناست، زیرا با معنای آن در عهد جدید که رستگاری با کار مسیح مرتبط است متفاوت است. در عهد عتیق، وقتی مردم در مورد رستگاری صحبت می‌کردند، اولین چیزی که در مورد آن می‌شنویم، رستگاری زمین یا ملک است. بنابراین، بنی اسرائیل به عنوان مستاجران زمین خدا با حق تولید دیده می‌شدند.

آنجا زمین آنها نبود. زمین خدا بود. اما خدا به آنها اجازه داده است که روی زمین کار کنند.

و سپس خدا فقرا و نیازمندان را نیز در نظر داشت. و این همان چیزی است که شما در اینجا در فصل ۲۵ لاویان دارید. اگر یکی از برادران شما فقیر شود و نتواند از خود مراقبت کند چه اتفاقی می افتد؟ اگر برادر شما فقیر شود و بخشی از دارایی خود را بفروشد، نزدیکترین ولی او، باز هم ایده گوئل در اینجا، خواهد آمد و آنچه را که برادرش فروخته است، بازخرد خواهد کرد.

اگر کسی کسی را برای بازخريد نداشته باشد، آنگاه ثروتمند می شود و خود را برای بازخريد آن کافی می بیند بگذارید سال های فروش خود را محاسبه کند و مانده را برگرداند، و غیره، و غیره. بنابراین، اگر من آنقدر فقیر شدم که نمی توانستم از خودم مراقبت کنم، می توانم به برادرم بروم و بگویم، من خودم را به تو می فروشم، و تو قرار است من و دارایی ام را بازخريد کنی.

اما کتاب مقدس همچنین تعلیم می دهد که در طول سال یوبیل، زمین من به صاحب اصلی اش خواهد رسید. اگر من دیگر زنده نباشم، به پسر من خواهد رسید. بنابراین، سال یوبیل بسیار بسیار مهم بود.

این مهم است زیرا بسیاری از مردم با استفاده از کتاب مقدس می گویند، ببینید، برده داری در کتاب مقدس اشکالی نداشته است. این یک سوء تفاهم از متن کتاب مقدس است. بسیاری از مردم آنچه را که در تاریخ آمریکا اتفاق افتاده است، می خوانند و آنها متن کتاب مقدس را دوباره تفسیر می کنند.

و این چیزی نبود که اتفاق افتاد. در متن کتاب مقدس، کسانی که خدا در نظر داشت فقرا بودند و خدا می خواست از آنها مراقبت کند. این هیچ ربطی به نظام آمریکایی نداشت.

خانه ای در یک شهر محصور، زمین محسوب نمی شد، که خیلی جالب است. اما خانه ای که خارج از شهر بود، زمین محسوب می شد. باز هم، ما در مورد یک جامعه کشاورزی صحبت می کنیم.

بنابراین، وقتی در کتاب خروج درباره رستگاری صحبت می کنیم، ابتدا باید درباره معنای رستگاری برای آنها صحبت کنیم. و باز هم، شما با زمین، با اموال و با مراقبت از فقرا و نیازمندان سر و کار داشتید. بنابراین، با بازگشت به خروج، در کتاب خروج، موضوع این است که من یهوه هستم.

خدا می گوید من یهوه هستم. لطفاً توجه کنید که چند بار ظاهر می شود. من خداوند هستم، من خداوند هستم، من بر خداوند هستم، و شما خواهید دانست، و شما نیز خواهید دانست که من خداوند هستم، و آنها نیز خواهند دانست که من بر خداوند هستم.

بنابراین، هر اتفاقی که اینجا در کتاب خروج می افتد، یهوه است که به قوم خود نشان می دهد که او خدای حقیقی است. به آن فکر کنید. قوم اسرائیل صدها سال در آنجا در بردگی زندگی کرده اند و گاهی اوقات وسوسه می شوند که سبک زندگی مصریان را داشته باشند و خدا می گوید، نه، من یهوه هستم.

من خدای حقیقی هستم. من هستم. در کتاب خروج است که خدا خود را به عنوان من آن کسی که هستم، در فصل سوم معرفی می کند. بنابراین، این بلایا سیلی مستقیمی به صورت خدایان و الهه های مصر هستند.

من همچنین فهرستی از چگونگی جفت کردن هر خدا در مقابل یهوه و چگونگی شکست دادن این خدایان توسط خدا تهیه کردم. به یاد داشته باشید، بلایا جدالی علیه همه خدایان مصر هستند. خدایان مصر از سنگ ساخته شده اند، از چوب ساخته شده اند، چشم ندارند ببینند، گوش ندارند ببینند، و با این حال مردم آنها را می پرستند.

و اولین طاعون، که دوباره نیل را به خون تبدیل کرد، سیلی محکمی به صورت آمون بود. ببینید، آمون خدایی بود که وظیفه اش محافظت از نیل بود. حالا دوباره، نکته جالب این است که همه این خدایان و الهه ها شغل هایی دارند.

آنها خیلی شبیه انسان هستند. یکی گفت، ما داریم تصویر خدا را خلق می کنیم، و بعد ما تصمیم گرفتیم لطف او را جبران کنیم. خوب، دقیقاً همین اتفاق اینجا افتاد.

انسان ها این خدایان را به شکل خود خلق می کنند و آنها شغل هایی دارند. و باز هم، شغل آمون محافظت از نیل بود. تحت حفاظت آمون، جریان نیل بدون مشکل باقی ماند.

مشکل این است که در این مورد، سوال این است که وقتی یهوه نیل را به خون تبدیل کرد، آمون کجا بود؟ و پاسخ این است که، خوب، او هیچ جا نبود زیرا او وجود ندارد. یهوه می گوید من خدای حقیقی هستم. حال، محققان لیبرال که تاریخی بودن رویداد خروج را رد می کنند، می گویند هیچ معجزه ای در اینجا وجود ندارد، چیزی برای دیدن نیست.

آنها اینگونه تبدیل شدن نیل به خون را توضیح می دهند. بارندگی های شدید غیرمعمول در قسمت بالایی نیل منجر به سیل شد که به نوبه خود منجر به حل شدن خاک قرمز شد. علاوه بر خاک قرمز، رنگ قرمز میکروارگانیسم های خاصی به نام تازکداران نیز وجود دارد که همیشه در نیل وجود دارند.

اما از آنجا که سیل و مواد مغذی همراه آن و به وفور تکثیر شدند، نیل را به رنگ قرمز، غیرقابل آشامیدن و مسموم کننده ماهی ها درآوردند. بنابراین، این یک توضیح جالب و طبیعت گرایانه از یک معجزه است. اکنون دوباره، این یهوه ۱، خدایان مصر ۰ است. بلای دوم سیلی به صورت همه خدایان مصر، به ویژه هکت است.

هارون شن های خود را بر فراز آب های مصر جستجو کرد و قورباغه ها سرزمین مصر را پوشاندند. بنابراین هکت الهه زایمان و باروری بود که در اینجا با بدن یک زن و سر یک قورباغه به تصویر کشیده شده است. یکی از محققان می نویسد از آنجایی که هکت در قورباغه تجسم یافته بود، قورباغه در مصر مقدس بود.

نمی توانست کشته شود، و در نتیجه، مصریان هیچ کاری نمی توانستند در مورد این تکثیر وحشتناک و قهرمانانه الهه انجام دهند. آنها مجبور بودند از نمادهای پرستش فاسد خود بیزار باشند، اما نمی توانستند آنها را بکشند. و وقتی قورباغه ها می مردند، اجساد در حال فساد آنها باید شهرها و حومه شهرها را به وحشتی متعفن تبدیل می کرد.

جالب اینجاست که جادوگران مصری هم می توانستند همین کار را انجام دهند. حال، محققان لیبرال می گویند هیچ معجزه ای در اینجا رخ نداده است؛ این را می توان به صورت طبیعی توضیح داد. آنها این را می گویند.

باز هم، اینجا معجزه ای در کار نیست؛ این یک توضیح بسیار جالب است. اما این یهوه ۲، خدایان مصر ۰ است. بلای سوم، پشه ها یا پشه ها، طبق برخی ترجمه ها. باز هم، این مانند خروج ۱۲:۱۲ است که می گوید؛ این سیلی به صورت خدایان مصر، به ویژه سب است.

سب خدای زمین بود. درست از همان جایی که پشه ها از آنجا می آمدند، او خدای سطح زمین بود. بنابراین بلای پشه ها مایه شرمساری خدای زمین بود.

ضمناً، این معجزه توسط جادوگران مصر تکرار نشد. و من آنچه فیلیپ رایکن در این مورد می‌گوید را دوست دارم. او می‌گوید از آنجایی که جادوگران فرعون خدمتگزاران شیطان بودند، بلاهای پشه‌ها به وضوح نشان می‌دهد که قدرت شیطان محدودیت‌هایی دارد.

مسلماً، شیطان قدرت‌هایی دارد. کتاب مقدس می‌گوید که کار او در انواع معجزات جعلی و نشانه‌های شگفتی آشکار می‌شود. شیطان قدرت‌های دیگری نیز دارد.

او قدرت شورش دارد، اشعیا ۱۴، وسوسه می‌کند؛ متی ۴، فریب می‌دهد؛ مکاشفه ۲۰، متهم می‌کند؛ زکریا ۳ شیطان بسیار قدرتمند است، اما قدرت او محدود است. تمام کارهایی را که قادر به انجام آنها نیست در نظر بگیرید. او نمی‌تواند خلق کند.

او فقط می‌تواند نابود کند. او نمی‌تواند رستگار شود. او فقط می‌تواند نفرین شود.

او نمی‌تواند عشق بورزد. او فقط می‌تواند نفرت بورزد. او نمی‌تواند فروتن باشد.

او فقط می‌تواند مغرور باشد. از همه خردکننده‌تر، او قادر به نگه داشتن پسر خدا در قبر نبود. خدا با برخیزانیدن عیسی از مردگان، قدرت شیطان را در هم شکست.

کتاب مقدس می‌گوید دلیل ظهور پسر خدا، نابودی کار شیطان بود. آیا فکر می‌کنید محققان لیبرال این را به عنوان یک واقعیت تاریخی می‌پذیرند؟ پاسخ منفی است. محققان لیبرال که ماهیت معجزه‌آسای بلاها را رد می‌کنند، معتقدند که شرایط عالی برای پرورش در آب‌های راکد در امتداد نیل، با پایین رفتن آب، دسته‌های عظیمی از پشه‌ها را تشکیل داده که انسان‌ها و حیوانات را می‌گزند.

قوم مرا رها نکنی، دسته‌های مگس را بر تو و بندگانت و قومت به خانه‌هایت خواهم فرستاد. و خانه‌های مصریان و همچنین زمینی که بر آن ایستاده‌اند، پر از مگس خواهد شد. باز هم، مصریان معجزه‌ای را تکرار نکردند.

و به نظر می‌رسد که برای اولین بار، قلب فرعون نرم می‌شود. اما دوباره، در فصل ۸ دوباره سخت می‌شود. این، سیلی محکمی به صورت کفری بود، کسی که قرار بود خدای مگس‌ها باشد. نمی‌دانم آیا پیگیری می‌کنید یا نه اما این یهوه ۴، خدایان مصر ۰ است. در مورد مرگ دام‌های مصری چگونه؟ این یهوه در مقابل همه خدایان مصر، به ویژه نوس است.

روز بعد، خداوند این کار را کرد؛ تمام دام‌های مصریان مردند، اما یکی از دام‌های بنی‌اسرائیل نمرد. این سیلی محکمی به صورت نوس، خدای گاو نر، بود. او را اینجا با بدن یک انسان و سر یک گاو نر می‌بینید.

گاو مقدس، نماد زمینی رع، خدای خورشید بود که بعداً در مورد آن صحبت خواهیم کرد. ضمناً، مصریان خدایان و الهه‌های زیادی مانند گاو نر یا گاو ماده داشتند. آپیس یکی از آنها بود و حیوان مقدس خدای پتاح. محسوب می‌شد.

هائور در بدن یک گاو نمایش داده می‌شد. تصور کنید اگر همه دام‌ها بمیرند، چه ویرانی اقتصادی برای اقتصاد مصر رخ خواهد داد. همانطور که دکتر جان دیویس، سلف من در گریس، می‌نویسد، گاوها برای کار سنگین در کشاورزی به کار گرفته می‌شدند.

شترها، الاغها و اسبها عمدتاً برای حمل و نقل استفاده می‌شدند. گاوها نه تنها شیر فراهم می‌کردند، بلکه بخش جدایی‌ناپذیری از عبادت در سرزمین مصر نیز بودند. ضررهای اقتصادی در این مورد باید فرعون را به شدت تحت تأثیر قرار داده باشد، زیرا او تعداد زیادی گاو را تحت کنترل خود داشت.

بنابراین، باید کمی مکث کنیم و از خود پرسیم، چه کسی قلب فرعون را سخت کرد؟ آیا فرعون قلب خود را سخت کرد، یا خدا قلب فرعون را سخت کرد؟ زیرا این بخش بسیار مهمی از الهیات عهد عتیق است. خوب اگر در کتاب مقدس بخوانیم، در واقع هر دو را می‌گوید. فرعون قلب خود را سخت کرد، با توجه به همه این فصل‌ها، اما بعد می‌گوید که خدا قلب فرعون را سخت کرد.

اما باز هم، اگر از ابتدا بخوانید، اینطور نیست که فرعون مرد خوب، معصوم و خداترسی بوده باشد و خدا قلبش را لمس کرده و قلبش را سخت کرده باشد. نه، این مرد شیطانی است که همیشه علیه خدا و نقشه‌های اوست، کسی که به خدا ایمان ندارد. او در واقع بسیار نادان است و از موسی می‌پرسد، این خدا کیست؟ و او بسیار، نه فقط نادان، بلکه متکبر است.

من این خدا را نمی‌شناسم و نمی‌خواهم درباره این خدا چیزی بدانم. بنابراین، باید درک کنیم که ابتدا فرعون قلبش را سخت می‌کند و سپس به ما گفته شده که یهوه قلب فرعون را سخت می‌کند. اما کتاب مقدس درباره هر دو صحبت می‌کند و این بسیار بسیار مهم است.

اما اصل جاودانه این است: یهوه خدای حاکم حقیقی است که قوم خود را از ظلم و ستم آزاد خواهد کرد تا بتوانند او را خدمت و پرستش کنند. و البته، ما می‌توانیم از همه بلایا عبور کنیم، و یهوه را در مقابل خدایان مصر داریم. باز هم، نتیجه 10 به 0 می‌شود زیرا خدایان اصلاً خدا نیستند.

این یهوه است که تنها خدای حقیقی است. و عهد جدید در عبرانیان ۱۲:۳ به ما هشدار می‌دهد که مبادا در میان شما دلی شریر و بی‌ایمان باشد که شما را از خدای زنده دور کند. این همان چیزی بود که فرعون داشت.

او قلبی شریر و کافر داشت. اما برگردیم به داستان، آنچه در لاویان در مورد ایده رستگاری داریم. باز هم، ما رستگاری زمین را داشتیم، اما رستگاری انسان‌ها نیز وجود دارد.

من قبلاً از لاویان ۲۵، در مورد خدمتکاران قراردادی، برایتان خواندم. اگر برادران فقیر شود و نتواند با شما امرار معاش کند، از او مانند یک غریبه و مهمان حمایت کنید و او با شما زندگی خواهد کرد. از او بهره و سودی نگیرید، بلکه از خدای خود بترسید تا برادران در کنار شما زندگی کند.

بنابراین، باز هم، در اینجا، خدا نقشه‌ای برای ثروتمند شدن برخی افراد نداشت. نه، این نقشه برای خدا بود. که با استفاده از برادرانش از فقر مراقبت کند. ایده دیگری از رستگاری در نخست‌زادگان ظاهر می‌شود.

قرار بود نخست‌زادگان برای خداوند مقدس باشند. و کتاب مقدس می‌گوید چون او رحم را می‌گشاید. بنابراین وقتی پسری دارید، او را به خداوند تقدیم می‌کنید.

و قرار بود او در واقع در خیمه یا معبد خدمت کند. اما شما می‌توانستید او را در ازای پنج شیکل بازخرید کنید. شما او را بازخرید می‌کردید، و سپس او از آن شما می‌شد.

حالا داستان حنا را به یاد بیاورید. حنا برای سموئیل دعا می‌کند و می‌گوید: «خداوند، اگر به من پسری عطا کنی، او از آن تو خواهد بود.» بنابراین، وقتی زمان رستگاری فرا می‌رسد، حنا سموئیل را رستگار نمی‌کند، بلکه سموئیل را در کار خداوند رها می‌کند.

سپس، می‌توانید همسر یکی از اقوام فریب‌خورده را نجات دهید. این چیزی است که ما در داستان داریم، و تنها داستان روت جایی است که روت بیوه است، و نه تنها او بیوه است، بلکه پسرانش نیز می‌میرند. بنابراین، او با دو عروسش باقی می‌ماند.

و دوباره، در کتاب لاویان، همین موضوع آمده است. اگر شوهر بمیرد، اگر شوهر برادری داشته باشد، باید زن را فدیه کند. و این دقیقاً همان چیزی است که در روت اتفاق می‌افتد.

به نظر می‌رسد که یک جوئل، یک خویشاوند ناجی، وجود دارد که حق دارد روت را نجات دهد. و بوعز نزد او می‌رود و می‌گوید، ببین، روت اینجاست، و تو می‌خواهی نجات دهی. بنابراین روزی که مزرعه را از دست نعومی بخری، روت موآبی را نیز طلب خواهی کرد.

در این لحظه، ناجی خویشاوند می‌گوید، اوه، یک لحظه صبر کنید. من از قبل همسر دارم. و باز هم، ما نمی‌دانیم که آن بحث چطور به میز شام کشیده شد.

اما ما، کم‌دین، احتمالاً حق داریم وقتی او می‌گوید دلیل اینکه نمی‌توانیم دو همسر داشته باشیم این است که عیسی می‌گوید هیچ‌کس نباید به دو ارباب خدمت کند. اما به هر حال، این فقط یک شوخی است. اما ظاهراً، این نجات‌دهنده‌ی خویشاوندی این را می‌دانست زیرا گفت، نه، دیگر نمی‌خواهم نجات دهم.

من خوشحالم که زمین را نجات می‌دهم، اما اگر پای یک زن در میان باشد، حاضر به انجام این کار نیستم. بنابراین، بوعز، او یکی دیگر از نزدیکترین خویشاوندان نجات‌دهنده است. بنابراین، او روت را نجات می‌دهد، و ما می‌دانیم که از این طریق، آنها اجداد داوود و سپس بدیهی است که اجداد عیسی می‌شوند.

و سپس یک جوئل دیگر ظاهر می‌شود که در کتاب اعداد، فصل ۳۵، کمی کمتر شناخته شده است. و سپس تثنیه ۱۹ را دارید. این مربوط به شهرهای پناهگاه است.

و اگر کسی سهواً کسی را بکشد، آن خویشاوند نجات‌دهنده را خواهید داشت. حال، لطفاً توجه کنید که مفهوم رستگاری چگونه بعداً در کتاب مقدس تغییر می‌کند. برای مثال، وقتی به متون حکمت، به ایوب و مزامیر می‌رسیم، رستگاری را داریم که از سرزمین و مردم به رستگاری واقعی از دشمنان منتقل شده است.

این همان چیزی است که ایوب، نویسنده مزامیر، برای آن دعا می‌کند. رهایی از شیران. رهایی از مرگ.

رستگاری از مجازات گناه. بنابراین، به نظر می‌رسد که در زبان، تحولی بسیار متفاوت از آنچه در شریعت وجود دارد، رخ داده است. به همین دلیل است که وقتی مردم می‌گویند، خب، این کلمه به این شکل ظاهر می‌شود، باید بسیار مراقب باشید.

خب، این به این معنی نیست که هر دو معنی یکسانی دارند. باز هم، گاهی اوقات صدها سال از آن زمان می‌گذرد. ما زمینه‌های متفاوتی داریم.

و اینکه در لاویان به یک شکل استفاده شده، به این معنی نیست که در مزموور هم به همان شکل استفاده شده است. و می‌دانم که همه ما مزموور ۱۰۳ را خیلی خوب می‌شناسیم. پس، ببینید، رستگاری چیز دیگری می‌شود.

رستگاری از مرگ و البته، در کتاب خروج، با بازگشت به ایده رستگاری از بردگی در مصر، خداوند قبل از اینکه مجازات‌هایی را علیه خدایان مصر وضع کند، به روشنی می‌گوید که به نفع آنها عمل خواهد کرد. خروج ششم، ششم تا هشتم و بنابراین به قوم اسرائیل می‌گوید، من یهوه هستم

من یهوه هستم، و شما را از زیر بار مصریان بیرون خواهم آورد، و شما را از بردگی آنها رهایی خواهم داد، و شما را با طوفانی عظیم و با داوری عظیم رهایی خواهم بخشید. و شما را قوم خود خواهم گرفت، و من خدای شما خواهم بود. و خواهید دانست که من یهوه، خدای شما هستم که شما را از زیر بار مصریان بیرون آورده‌ام.

من شما را به سرزمینی که سوگند یاد کردم به ابراهیم، اسحاق و یعقوب بدهم، خواهم آورد. من آن را به شما به عنوان میراث خواهم داد. من یهوه هستم.

من خداوند هستم. حال، این باید به معنای گوئل باشد؛ رستگاری به عنوان یهوه آخرالزمانی، گوئل اسرائیل است. در اشعیا، ما این ایده را داریم که خدا نجات‌دهنده است.

این درباره ظهور دوم عیسی صحبت می‌کند. بنابراین گاهی اوقات درباره ظهور اول او صحبت می‌شود، اما گاهی اوقات درباره ظهور دوم او. حال، وقتی به عهد جدید می‌رسیم، دوباره در عهد جدید، این ایده رستگاری را داریم که باز هم با آنچه در لاویان داریم متفاوت است.

این به آنچه در کتاب مزامیر و کتاب ایوب داریم نزدیک‌تر است، اما کمی متفاوت است. باز هم، در عهد جدید، رستگاری همیشه به مرگ و رستاخیز عیسی و آنچه او برای ما انجام داده است اشاره دارد. بنابراین عیسی آمد تا رستگاری ما را به انجام برساند.

دادن جان او بهای فدی بود، و فدی ماهیتی جایگزین داشت. و ما همه این آیات را داریم که در این مورد صحبت می‌کنند. به عنوان مثال، آیه کلیدی در انجیل مرقس می‌گوید، زیرا حتی پسر انسان نیز نیامد تا خدمت شود، بلکه آمد تا خدمت کند و جان خود را به عنوان فدی برای بسیاری بدهد.

بنابراین، توجه کنید، خدای خالق، خدای عهد و پیمان، خدای نجات‌دهنده است. و او این کار را از طریق شخص عیسی مسیح انجام می‌دهد. لوقا ۱:۶۸، خداوند خدای اسرائیل متبارک باد، زیرا او از ما دیدار کرده و برای قوم خود نجات را به انجام رسانده است.

غلاطیان ۳:۱۳، مسیح ما را از لعنت شریعت رهایی بخشید. غلاطیان ۴ یک متن بسیار مهم در مورد کریسمس است زیرا به ما می‌آموزد که مسیح چه زمانی، چگونه و چه زمانی به دنیا آمد. مسیح چه زمانی به دنیا آمد؟ در زمان مناسب.

خدا پسر خود را فرستاد. عیسی چگونه به دنیا آمد؟ از یک زن، تحت شریعت متولد شد. چرا عیسی به دنیا آمد؟ برای اینکه او کسانی را که تحت شریعت هستند نجات دهد، ما می‌توانیم فرزندخواندگی را دریافت کنیم.

پولس به قرن‌تین می‌نویسد که عیسی نه تنها حکمت ما، بلکه عدالت و رستگاری ما شد. رومیان ۳، همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا قاصرند، و به فیض او از طریق رستگاری که در مسیح عیسی است، به عنوان هدیه‌ای عادل شمرده می‌شوند. پولس به افسسیان می‌نویسد، در او ما از طریق خون او رستگاری داریم، آمرزش گناهانمان.

پطرس می‌نویسد که شما با چیزهای فانی مانند نقره یا طلا از شیوه زندگی بیهوده خود که از اجدادتان به ارث برده‌اید، رهایی نمی‌یابید، بلکه با خون گرانبهای بره بی‌عیب و نقص، خون مسیح. تیطوس در مورد فیض خدا

به کلیسای کرت، در جزیره کرت، می‌نویسد. و سپس می‌گوید: «خدا برای خود، عیسی خود را فدا کرد تا ما را از هر عمل ناشایست رهایی بخشد و قومی را برای خود پاک کند تا ملک خاص او باشند و برای کارهای نیک «غیور باشند».

باز هم، با بازگشت به عبرانیان، نویسنده عبرانیان این ارتباط را با عیسی برقرار می‌کند، که نه تنها نجات‌دهنده است، بلکه بهای رستگاری است. او می‌نویسد وقتی مسیح به عنوان کاهن اعظم برای نیکی‌های آینده ظاهر شد، از طریق خیمه بزرگتر و کامل‌تری که با دست ساخته نشده بود، که از این خلقت نیست، آمد. نه با خون بزها و گوساله‌ها، بلکه از طریق خون خود، او یک بار برای همیشه وارد مکان مقدس شد و رستگاری ابدی را به دست آورد.

زیرا اگر خون بزها و گاوها و خاکستر گوساله، که بر کسانی که آلوده شده‌اند پاشیده می‌شود، برای پاکی جسم تقدیس می‌شود، چقدر بیشتر خون مسیح، که به واسطه روح ابدی خود را بی‌عیب به خدا تقدیم کرد، وجدان شما را از اعمال مرده پاک خواهد کرد تا خدای زنده را خدمت کند. بنابراین خدا، خالق، خدای عهد و پیمان‌دهنده و وفای به عهد است و او همچنین نجات‌دهنده است.

این دکتر تیبریوس راتا در مورد تدریس خود در مورد الهیات عهد عتیق است. این جلسه ۴، خدا به عنوان نجات‌دهنده است.